

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۶۰ - ۳۱

نظام اندیشگانی اسلامی و مشارکت اقتصادی و اشتغال زنان

محمدعلی اخویان^۱

امیر عباس مهدوی فر^۲

رحمان زارع^۳

چکیده

اشتغال زنان از جمله مباحث مهم در حوزه مطالعات زنان است که نظریه‌ها و آراء متفاوتی را در پی داشته است. مسئله‌ای که ما به دنبال تحلیل آن هستیم این است که در رویکرد دینی و آموزه‌های وحیانی در تزاخم میان نقش‌های کلیدی زن همچون همسراری و فرزندآوری با اشتغال خارج از خانه اولویت با کدام است؟ این پژوهش با نگاهی تحلیلی ضمن بررسی رویکردهای سه‌گانه در مورد اشتغال زنان و بیان معایب و محاسن آن به این نتیجه دست یافت که از منظر آیات و روایات، نقش همسری و مادری برای زنان در اولویت تکالیف الهی و دارای بار ارزشی و اخلاقی است و اشتغال هرچند حق زنان است؛ اما تکلیف ایشان نیست. بنابراین در موارد تزاخم اشتغال با نقش‌های اصلی زنانه یعنی همسری و مادری، ضمن رعایت این اولویت باید انگاره‌های اخلاقی و فقهی مورد توجه خاص قرار گیرد و با رعایت سلامت اخلاقی در روابط اجتماعی زن و مرد، حفظ حرمت و کرامت زن، اولویت مصالح خانواده، لحاظ تفاوت‌های تکوینی بین زن و مرد و نیز توجه به معایب و محاسن اشتغال به این مسئله توجه نمود. پژوهش حاضر در نهایت راهکارهایی را جهت حل تزاخم ارائه می‌دهد. این نوشتار با روش توصیفی و تحلیلی با رویکرد وحیانی و استناد به آیات و روایات و آراء اندیشمندان به تحلیل آراء می‌پردازد.

واژگان کلیدی

اشتغال زنان، نقش مادری، نقش همسری، تزاخم، آیات و روایات.

Email: ma_akhaviyan@yahoo.com

Email: aa.mahdavifard@qom.ac.ir

Email: zare1397@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۸/۱۳

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم. (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه قم.

۳. دانشجوی دکتری دانشگاه قم.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۰

طرح مسأله

اشتغال زنان در اسلام از مهم‌ترین مباحث بحث‌برانگیز در دوران معاصر است که نیاز به کنکاش و پژوهش بیشتر دارد و اگرچه در فرهنگ و اندیشه اسلامی کتاب‌ها و مقالات بسیاری در این موضوع، از سوی اندیشمندان مسلمان نگاشته شده است اما نیاز روزافزون جامعه انسانی به آشنایی با دیدگاه‌های دین و قرآن درباره زن و هجمه‌ی دشمنان اسلام و افکار فمینیستی برای حمله به دین و اسلام به خاطر مباحث مطرح شده در رابطه اشتغال زنان در اسلام و تمایزاتی که اسلام در این رابطه میان زن و مرد قرار داده است که این مسئله برای نسل‌های جدید به درستی تبیین نشده است و از طرفی با توجه به حجم زیاد آیات و روایات مربوط به این موضوع به نظر می‌رسد بازپژوهی و کاوش بیشتر در این باره همچنان ضرورت دارد.

در این نوشتار به سؤالات طرح شده در این موضوع پاسخ خواهیم داد. سؤالاتی نظیر اینکه آیا بین اشتغال بانوان با نقش‌های اصلی آن‌ها همچون همسررداری، فرزندآوری و فرزندپروری می‌توان جمع نمود و بانوان می‌توانند به گونه‌ای عمل کنند که وظایف اصلی همسررداری و فرزندپروری تحت الشعاع قرار نگیرد؟ اگر جمع میان این دو امر ممکن است، چه راهکارهایی برای جبران خسارت‌های اشتغال و برون‌رفت از این تراحم وجود دارد؟ تقسیم نقش‌های متفاوت برای زنان در مقایسه با مردان جزء قدیمی‌ترین مسائل خانوادگی و اجتماعی بشر بوده که برخاسته از ماهیت هریک از آن‌ها هست اما از سویی غفلت از این تفاوت‌های تکوینی و از سوی دیگر نگاه اومانستی به انسان بستر ساز جنبش - های اجتماعی و افکار فمینیستی در دفاع از حقوق زنان شده است. ریشه‌ی اصلی بحث نیز به بحث مهم «تفاوت یا تساوی» زن و مرد برمی‌گردد.

در دوران معاصر، مسئله اشتغال زنان در اسلام دیگر تنها مسئله‌ای فقهی نبوده بلکه با کثرت شبهات در این بخش تبدیل به مسئله‌ای فقهی و کلامی شده که محور تعارض اندیشه‌ی سکولار و مدرنیسم با اسلام شده و بیشترین بحث‌های چالشی میان اسلام و غرب را تشکیل داده است. از این جهت پرداختن به این مباحث حقوقی با رویکرد فقهی - ضرورت مضاعف پیدا می‌کند، یکی از مباحثی که اهمیت بسیار زیادی در درک صحیح از

تمایزات میان زن و مرد در مسئله اشتغال دارد توجه به تفاوت‌های تکوینی و طبیعی میان زن و مرد و تناسب تکوین و تشریح است که می‌تواند در توجیه عقلانی تفاوت‌های حقوقی احکام زنان و مردان و فهم آن‌ها کمک نماید.

با بررسی پیشینه‌ی اشتغال زنان می‌توان منشأ آن را در اقتصاد کاپیتالیستی و سرمایه‌داری جستجو کرد، بنگاه‌های اقتصادی برای به دست آوردن نیروی کار ارزان و مطیع، زنان را تشویق به کار و تلاش کردند. به‌مرور زمان حضور زنان در عرصه کار تولیدی و خدماتی روبه رشد و گسترش رفت. زنانی که تا دیروز بیشتر وقت خود را در کارخانه می‌گذراندند به کارخانه‌ها روی آوردند تا جایی که اشتغال زنان به‌عنوان یک موضوع ضروری مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت. با توجه به اینکه در کشورهای غربی بسیاری از محدودیت‌هایی که در اسلام برای حفظ متانت و کرامت و حیای زن وجود دارد، مطرح نیست و اختلاط زن و مرد و ارتباط با نامحرم منعی ندارد، از این روی اشتغال زنان بدون هیچ‌گونه محدودیتی گسترش پیدا کرد. در ایران هم در دهه‌های اخیر این موضوع روبه رشد نهاده و هم‌اکنون با توجه به نبود مانعی هم‌چون «کمک‌سپرست-خانواربودن» یا «خدمت مقدس سربازی»، شاهد شرکت مکرر دختران در کنکور و در نتیجه گسترش تحصیلات عالی‌ه زنان هستیم. این امر موجب شده تا اشتغال زنان رقیب جدی برای اشتغال مردان و خصوصاً مردان سرپرست خانوار محسوب شود. بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد اشتغال هرچند حق زنان است اما اولویت نقش همسری و مادری و جایگاه ارزشی آن در دستور کار دین اسلام است. این امر سبب استحکام و ارتقاء جایگاه خانواده و نیز حفظ کرامت زنان است. مقالات و کتاب‌های زیادی در این موضوع به نگارش درآمده اما سؤال هم‌چنان به قوت خود باقی است که آیا اشتغال در تزاخم با نقش‌های اصلی زنانه است؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ در رفع تزاخم موجود چه باید اندیشید؟ نوشتار حاضر با بررسی رویکردهای سه‌گانه موجود در امر اشتغال زنان پیامدهای اشتغال در زنان و خانواده و اجتماع را به بحث نهاده است و تزاخم آن را با نقش‌های اصلی و کلیدی زنان یعنی همسری و مادری مورد بررسی قرار می‌دهد و در نهایت راه‌های برون‌رفت از این تزاخم مطرح می‌گردد.

مفهوم اشتغال

اشتغال در لغت به معنای «مشغول شدن به کاری، سرگرم شدن، به کاری پرداختن است (دهخدا، ۱۳۳۷، ج ۲، ص ۲۲۲۶) و در اصطلاح کار می‌تواند به عنوان انجام وظایفی تعریف شود که متضمن صرف کوشش‌های فکری و جسمی بوده و هدفشان تولید کالاها و خدماتی است که نیازهای انسانی را برآورده می‌سازد. شغل یا پیشه، کاری است که در مقابل مزد یا حقوق منظمی انجام می‌شود. کار در همه فرهنگ‌ها اساس نظام اقتصادی یا اقتصاد است که شامل نهادهایی است که با تولید و توزیع کالاها و خدمات سروکار دارند. (گیدنز، ۱۳۷۸، ص ۵۱۷) مقصود از اشتغال در این نوشتار آن شغلی است که زنان مجبور باشند ساعاتی از شب یا روز را خارج از منزل و در خدمت کارفرما سپری کنند یا به عبارت دیگر اشتغال به معنای حضور در ساختار اجتماعی برای بهره‌وری اقتصادی می‌باشد.

منظور از «زن» در این نوشتار عبارت است از: زنان متأهل (دارای خانواده به معنای همسر و یا همسر و فرزندان) و زنان سرپرست خانوار (زنان صاحب فرزندى که بیوه یا مطلقه هستند یا زنان بدسرپرست که همسر به دلیل ناتوانی جسمی یا روانی کار نمی‌کند) و دختران مجرد.

رویکردها در مورد تراحم اشتغال زنان با نقش همسری و مادری

دانشوران عرصه‌ی مطالعات زنان با دو نگاه جامعه‌شناختی و روان‌شناختی در مورد جواز و عدم جواز اشتغال زنان دیدگاه‌های متفاوتی ارائه نموده‌اند. برخی با تکیه بر تفاوت‌های بیولوژیک و روان‌شناختی زنان با مردان، به تفاوت نقش‌های زنانه و مردانه معتقدند و نقش‌های اجتماعی از جمله اشتغال را بیشتر مردانه می‌دانند. در مقابل عده‌ای که عمدتاً نگاهی جامعه‌شناختی به این مقوله دارند با رویکردهای فمینیستی و رفع تبعیض علیه زنان، تساوی نقش‌های اجتماعی را برای زنان و مردان قائل‌اند. از آنجا که این پژوهش از منظر آیات و روایات به این مقوله می‌نگرد، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان رویکردهای دانشوران مسلمان را در این خصوص به سه دسته تقسیم نمود.

۱. رویکرد سنتی

این رویکرد که تابعی از دیدگاه کلی اولویت حضور زنان در منزل است، با تأکید بر تفاوت‌های بیولوژیکی و روان‌شناختی، ماهیت ساختاری زنان را به گونه‌ای ارزیابی می‌کند که اشتغال زنان را نه تنها دارای اولویت نمی‌داند بلکه معتقد است که اشتغال آن‌ها موجب جاماندن از وظایف اصلی آن‌ها یعنی نقش همسررداری و فرزندآوری و ... می‌شود. این دسته از دانشوران معتقدند که در منابع دینی بر ماندن و کار کردن زن در خانه تأکید شده است. پس لازمه کار در خانه، محرومیت این قشر از اشتغال است. (زعفران‌چی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۹۸۲)

علاوه بر آیات و روایات متعدّد که کار زن را در خانه مطلوب و سنت شمرده است، فقهای بزرگی هم چون صاحب عروه نیز بر استحباب حضور و ماندن زن در خانه و خروج هنگام ضرورت نظر داده‌اند: «يَسْتَحِبُّ حِسْبَ الْمَرْأَةِ فِي الْبَيْتِ فَلَا تَخْرُجُ إِلَّا لِلضَّرُورَةِ وَلَا يَدْخُلُ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنَ الرِّجَالِ» (یزدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۴۸۳). برخی نیز با اشتغال زنان به صورت کلی مخالف ورزیده و بیان نموده‌اند که «به‌طور کلی درست نیست دختران و زنان برای تأمین مخارج خویش کار کنند، بلکه باید پدر یا شوهر و یا برادران آنان نفقه‌شان را بدهند تا زنان به زندگی زناشویی و بچه‌داری بپردازند.» (السباعی، ۱۴۲۰، ص ۱۷۱)

این گروه برای مدعای خود به دلایلی از قرآن استناد نموده‌اند هم چون «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب: ۳۳)؛ در خانه‌هایتان قرار گیرید و زینت خود را مثل جاهلیت پیشین به مردان بیگانه ظاهر مسازید. سپس از این آیه نتیجه می‌گیرند که زن باید در منزل مأوا گزیند و نباید خود را در جامعه در معرض دید عموم قرار دهد پس لاجرم نباید وارد مشاغل اجتماعی شود.

همچنین آیه «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» (احزاب: ۵۳)؛ هنگامی که از همسران پیامبر چیزی خواستید، از پشت حجاب و حائلی از ایشان بخواهید که این برای دل‌های شما و دل‌های ایشان پاکیزه‌تر است. این آیه نیز تأکید می‌کند که زن از اینکه در معرض دید نامحرم قرار گیرد پرهیزد و لازمه این پرهیز، چشم‌پوشی از بسیاری از مشاغل اجتماعی است.

از جمله روایات مورد استناد این گروه روایت نبوی است که فرمود: «النِّسَاءُ عَوْرَةٌ أَحْسُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۵۰)؛ زنان عورت‌اند، آن‌ها را در خانه نگهداری کنید. از این روایت نیز ترجیح ماندن زنان در خانه را برداشت کرده‌اند، نیز روایتی از حضرت زهرا سلام الله علیها که فرمود: «خَيْرُ النِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ» (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۳۰)؛ بهترین زنان کسانی هستند که مردان را نبینند و مردان هم آن‌ها را نبینند. ایشان در روایتی دیگر و در پاسخ به پیامبر که پرسید: کدام لحظه زن به خدا نزدیک‌تر است؟ فرمود: «أَذْنِي مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ فَعَرَّ بَيْتِهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳، ص ۹۲)؛ لحظه‌ای که زن در پستوی خانه می‌ماند. امیر مؤمنان نیز در وصیت خویش به فرزندش امام حسن علیهما السلام فرمودند: «لَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنَ الْأَمْرِ مَا يُجَاوِزُ نَفْسَهَا فَإِنَّ ذَلِكَ أَنْعَمُ لِحَالِهَا وَ أَرْحَى لِبَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحِمَالِهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰). کاری که برتر از توانایی زن است به او وامگذار، زیرا این امر به حال او سودمندتر و برای آرامش قلب او بهتر و برای حفظ زیبایی او بادوام‌تر خواهد بود زیرا زن گل بهاری است، نه پهلوانی سخت‌کوش. از این روایت به وضع روحی و جسمی زنان اشاره دارد نتیجه‌گیری کرده‌اند که آن‌ها باید وظایفی را بر عهده گیرند که با وضعیت جسمانی و عاطفی‌شان متناسب باشد و آسایش و آرامش آن‌ها را برهم نزند.

از تقسیم‌بندی کارها توسط رسول الله صلی الله علیه و آله بین حضرت علی و فاطمه زهرا سلام الله علیهما نیز اولویت انجام کارهای خانه توسط خانم استفاده کرده‌اند. امام صادق (ع) فرمودند: رسول خدا کارهای داخل منزل را به فاطمه و کارهای بیرون را به علی سپرد و حضرت زهرا بعد از این تقسیم‌بندی فرمودند: «فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَّائِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ تَحْتَمِلُ رِقَابَ الرَّجَالِ» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۵۲)؛ خدا می‌داند که چه اندازه خوشحال شدم؛ زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است باز داشت. روایات دیگری در این باب وجود دارد که از آن استفاده کرده‌اند که در معرض دید بودن زن مرجوح است، همچون روایت امام باقر (ع) که فرمود: «صلاة المرأة في مخدعها افضل من صلاتها في بيتها.» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۱۰) نیز روایت:

«فیما اوصی علیاً یا علیّ لیس علی النساء جمعة و لا جماعة و لا اذان و لا اقامة.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۱، ص ۱۱۵)

همچنین از فرمایش امیرالمومنین (ع) خطاب به عایشه در جنگ جمل که فرمود: «اما بعد فانک خرجت غاصبة لله و لرسوله تطلبین امرنا کان عنک موضوعاً، ما بال النساء و الحرب و الاصلاح بین الناس. تطلیین بدم عثمان؟ و لعمری ان من عرضک للبلای و حملک علی المعصیه اعظم الیک ذنباً من قتله عثمان فاتقی الله و ارجعی الی بیتک» (ابن قتیبة، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۸۶)؛ «خارج شدی و خدا و رسولش را به خشم واداشتی. به انجام عملی مبادرت کردی که خداوند آن را از تو نخواسته است. زنان را با جنگ و اصلاح بین مردم چه کار؟ خونخواهی عثمان را می خواهی؟ قسم به جان خودم آنکه تو را در معرض این بلا قرار داد و بر نافرمانی خداوند وادارت نمود گنااهش باید نزد تو بزرگ تر از گناه قاتل عثمان باشد. پس از خدا بترس و به خانهات برگرد.» از این روایت نیز مرجوح بودن حضور اجتماعی زنان را برداشت نموده‌اند.

نقد و بررسی

در نقد و بررسی این تفسیر از آیات و روایات باید گفت:

اولاً: اگر در موضوع مورد بحث فقط همین آیات و روایات را داشتیم، امکان داشت استحباب یا وجوب حبس زن در خانه و خروج اضطراری او را نتیجه بگیریم؛ اما دلایل قطعی دیگری از آیات و روایات و نیز سیره‌ی عملی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، هم چنین سیره‌ی قطعی عقلا که در منظر معصومین بوده و اهل بیت در مقابل آن سکوت نموده و با تقریر خویش امضا نموده‌اند، ما را از تفسیر ظاهری این مستندات منع می کند و حداکثر چیزی که می توان از مستندات مذکور فهمید «ممنوعیت اختلاط زن و مرد» و نیز «اولویت نقش همسری و مادری» در صورت تراحم اشتغال با این دو نقش است. به عبارت دیگر دین مجموعه‌ای کامل و به هم پیوسته است که نمی توان با بخشی از آن نتایج خاصی را اصطیاد کرد بلکه نیاز است در تمام فتوا و احکام و مقررات به تمامی آیات و روایات به صورت یک مجموعه به هم پیوسته نگریست. در واقع این گونه برخورد با اشتغال زنان نشان دهنده‌ی، یک سویه اندیشیدن و شناختن ظرفیت‌ها و امتیازات زنان است و با مراجعه به منابع اسلامی

و سیره‌ی معصومین نمی‌توان دلیلی بر پذیرش چنین مبنایی یافت، بلکه در مقابل، دلایل متعددی وجود دارد که در اسلام و سیره‌ی معصومان اشتغال زنان با رعایت شرایط آن پذیرفته شده است که در ادامه همین نوشتار به آن‌ها خواهیم پرداخت.

در تحلیل منشأ این گونه مستندات باید ویژگی‌های هر یک از زن و مرد مورد کنکاش قرار داد و به تعبیر شهید مرتضی مطهری: «آنچه فقها از امثال این جمله‌ها استنباط کرده‌اند این است که این گونه جمله‌ها ارشاد به حقیقتی روحی و روانی در روابط دو جنس است و شک نیست که حقیقتی را بیان می‌کند. رابطه‌ی زن و مرد اجنبی سخت خطرناک است، گلی است که پیلان بر آن می‌لغزند.» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۹، ص ۴۸)

ثانیاً: ممکن است این آیات و روایات به زمان، مکان، افراد و شرایط خاص مربوط باشد و اخذ حکم کلی و عمومی، محتاج دلیل معتبر است. ضرورت‌های اجتماعی که امروزه به مراتب بیش از گذشته است، نقش مهمی در بحث ایفاء می‌کند. آنچه در بحث اشتغال و در نگاه دینی باید به آن توجه شود، اولاً بررسی تزامم حقوقی آن با نقش‌های اصلی زن یعنی همسری و فرزندآوری است و ثانیاً جلوگیری از بروز رفتارهای انحرافی و خروج روابط کاری و اجتماعی به سمت روابط جنسی و آلودگی محیط اجتماعی و نیز تزلزل بنیان خانواده است که در نگاه آیات و روایات جزء قمرزهایی است که نباید در آن مسامحه صورت پذیرد.

۲. رویکرد روشن‌فکرانه

این رویکرد که مبتنی بر مبانی فمینیستی است بر این باور است که زنان نیمی از پیکره اجتماع هستند که عدم حضور آنان در مشاغل اجتماعی باعث جلوگیری از پیشرفت جامعه و نادیده گرفتن نقش مهم زنان در جامعه خواهد شد و این ظلمی است که محصول فرهنگ و تربیت ناصحیح جامعه است. «سیمون دوبوار» در کتاب «جنس دوم» بر این اعتقاد است که این طبیعت نیست که محدودیت نقش‌های زنان را موجب می‌شود، بلکه این نقش‌ها زائیده‌ی مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، سنت‌ها و قوانین کهنی هستند که خود زنان نیز کم‌وبیش در پیدایش آن‌ها شریک‌اند. جمله‌ی معروف وی (کسی زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود) اشاره به همین مضمون است. (دوبوار، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳)

اینان حضور زنان را در جامعه یک ضرورت می‌دانند و خواهان حضور بی‌قید و شرط آن‌ها در تمام سطوح اجتماعی، سیاسی و حکومتی بوده و خواهان تساوی شرایط در همه عرصه‌ها هستند، از این روی تاریخ زندگی بشریت را بسیار تاریک و تیره توصیف کرده و معتقدند که زنان در طول تاریخ بشریت مورد ظلم و ستم و تبعیض جنسیتی بوده‌اند، از این روی تمام تلاش خود را بکار بسته‌اند تا این تبعیض‌ها را تا حد ممکن از بین ببرند. (مه‌دوی و دولتی، ۱۳۸۵، ش ۹، ص ۵۰-۵۶) برخی از متفکران مسلمان نیز در آثار خود با یک بیان کلی بر مظلومیت تاریخی زن صحه گذاشته و بدون بررسی موشکافانه و بیان جزئیات و اینکه در چه عرصه‌هایی زن مورد ظلم واقع شده است با این گروه هم‌نوا شده‌اند، حال آنکه میان تفکرات آن‌ها و تفکرات فمینیستی فرسنگ‌ها فاصله وجود دارد.

نقد و بررسی

این دیدگاه نیز مانند دیدگاه قبل دچار ایراداتی اساسی است زیرا:

بخشی از ایرادها و اشکال‌های این رویکرد به مبانی فلسفی و انسان‌شناختی آن‌ها در مورد زن بازمی‌گردد. فمینیست‌ها مفهوم و ماهیت زن را صرفاً سازه‌ای فرهنگی می‌دانند که فرهنگ مردسالار آن را از این جهت ساخته که موضوع سلطه‌ی خود قرار دهد. در حالی که این فروکاهشی از نوع فرهنگی است و ارتباط میان وضع زیستی و فیزیولوژیک زن با اوضاع ذهنی، روانی و فرهنگی وی به‌طور کامل گسیخته شده، یعنی اموری همچون بارداری، به دنیا آوردن فرزند و شیردادن به وی با شرایط ذهنی، روانی و فرهنگی زن بی-ارتباط نیست. سخن «سیمون دوبوار» مبنی بر اینکه کسی زن به دنیا نمی‌آید، بلکه زن می‌شود به همین سبب (فروکاهش) قابل قبول نیست (باقری، ۱۳۸۲، ص ۹۷-۹۲) به عبارت دیگر این رویکرد از تفاوت‌های تکوینی و زیستی بیولوژیک (ساختار بدن) و فیزیولوژیک (کارکرد اعضا) بین زن و مرد، غفلت نموده است.

این رویکرد بدون در نظر گرفتن بافت فرهنگی و سنت‌های موجود در جامعه به دنبال حذف نقش‌های مردانه و زنانه است که در نتیجه جامعه ما را دچار مشکل و سردرگمی می‌کند زیرا از یک سو به دنبال واگذاری نقش‌های مردانه به زنان است و از سوی دیگر به

نقش‌های زنانه در جامعه توجه کافی ندارد، از این روی برخی از نقش‌های زنانه ممکن است مغفول بماند همان‌طور که با مراجعه به آمارهای موجود در سال‌های اخیر نقش مادری و فرزندپروری به شدت کاهش یافته و بسیاری از زنان شاغل ترجیح می‌دهند که تک‌فرزند باشند، همچنین به خاطر اولویت قرار دادن اشتغال بسیاری از اوقات شخص ترجیح می‌دهد مجرد بماند و بسیاری از موقعیت‌های ازدواج را قبول نکنند (عباسی شوازی، ۱۳۹۲، ص ۶۵) از این جهت که ازدواج را مانع دستیابی به مشاغل برتر دانسته لذا برای رسیدن به آن سال‌های متمادی به تحصیلات مشغول می‌شود تا به تحصیلات عالی و در پی آن به مشاغل حرفه‌ای تر دست یابد.

۳. رویکرد اعتدالی (مبتنی بر تفاوت‌های تکوینی)

این دیدگاه که بر اساس مبانی اسلامی است و در نظر گرفتن تفاوت‌های تکوینی و طبیعی میان زن و مرد بنا شده است بر این باور است که اشتغال زنان را مباح و جایز بوده و تنها قید آن، منافات نداشتن با حقوق زناشویی یا لزوم کسب رضایت همسر یا منافات نداشتن با نقش همسری و فرزندآوری است. با بررسی آیات و روایات و نقل‌های تاریخی درمی‌یابیم که در نگاه دینی اشتغال زنان در صورت عدم تعارض با نقش مادری و همسری به خودی‌خود ایرادی ندارد بلکه شواهدی نیز وجود دارد که زنان در عصر پیامبر و اهل‌بیت (ع) به مشاغلی هم‌چون تجارت، خرمافروشی، صنایع دستی، ریسندگی، بافندگی، آرایشگری، خدمات خانگی، پرستاری، حضانت، اجاره املاک، چوپانی، عطر فروشی، تولید مواد خوشبوکننده می‌پرداخته‌اند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۶، ص ۹؛ ج ۲۴، ص ۲۶۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۱۷۴)، به استثنای مشاغل فسادانگیزی مانند: «روسی‌گری و آوازخوانی در مجالس گناه» (حرعاملی، همان، ص ۶۵ - ۶۲ و ۸۵ - ۸۴).

روایات باب اشتغال زنان به‌طور خاص به سه دسته روایت تقسیم می‌شود: دسته اول روایاتی است که اشتغال و سرپرستی زنان را نهی کرده‌اند (در رویکرد نخست به برخی روایات در این زمینه اشاره کردیم)، دسته دوم روایاتی است که به‌طور مستقیم به حضور زنان در خارج از منزل اشاره دارند. دسته سوم روایاتی که نان‌آور خانواده را مرد دانسته و مسئولیت تأمین هزینه خانواده را بر عهده‌ی مرد قرار داده است و زنان را نان‌خور مردان

دانسته است.

در دسته دوم روایات به طور مستقیم منعی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی زنان وجود ندارد؛ بلکه این روایات بیشتر ناظر بر نحوه حضور زنان در جامعه است، برای مثال آن‌ها را از اختلاط با مردان بیگانه بازمی‌دارد و به رعایت عفاف و پوشیدگی دعوت می‌کند؛ مانند این روایت که می‌فرماید: «أَمَّا تَسْتَحْيُونَ وَلَا تَعَارُونَ نِسَاءً كُمْ يَخْرُجْنَ إِلَى الْأَسْوَاقِ وَيُرَاجِمَنَّ الْعُلُوجُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۳۶)

به طور کلی این دسته از روایات، به رعایت حدود مرزها سفارش می‌کند، بنابراین اگر اشتغال زنان موجبی برای مفسده نباشد، با حفظ عفت و اخلاق عمومی جامعه بلامانع است. در دسته سوم از روایات، «عیال» به معنای افراد تحت تکفل، اصطلاحی است که برای مشخص کردن مسئولیت اقتصادی مرد، در جایگاه همسر، پدر یا فرزند، به کار برده می‌شود. بررسی دقیق رویکرد سوم (رویکرد واقع‌گرا) مستلزم توجه به نکاتی چند است که بیان می‌شود:

۳-۱ اشتغال و جنسیت

اسلام مستقیماً به طرح مسئله اشتغال زنان نپرداخته تا در نتیجه آن را رد یا اثبات کند اما در نگاه آیات و روایات، اشتغال نیز نقشی صرفاً مردانه نیست تا دلیلی بر رد اشتغال زنان باشد. آنچه مردانه است و جزء تکالیف الهی و نقش‌های جنسیتی مرد است، نان‌آوری و فراهم نمودن نفقه‌ی همسر و فرزندان و پدر و مادر است. در قرآن کریم حق مالکیت زنان به رسمیت شناخته شده (نساء: ۳۲ و ۴؛ جمعه: ۱۰ و هود: ۶۱). قرآن همچنین حضور دختران شعیب را با عبارتی که به نوعی تعلیل و توجیه حضور اجتماعی آن‌هاست، مطرح ساخته است. «فَالْتَأْتِي لَأَنْسُقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرَّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ» (قصص: ۲۹) که نشان از پذیرش حضور اجتماعی و اشتغال در صورت نیاز است. همچنین قرآن از سبب سیاسی ملکه‌ی سبا سخن گفته و در هیچ آیه‌ای اصل عهده‌داری این سمت را منفي نمی‌بیند بلکه به باورهای غلط او اشاره نموده و آن را رد می‌کند. «إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳) وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (نمل: ۲۴)

آنچه در این زمینه مهم است، انگیزه و علت اشتغال زنان است. معمولاً نیاز اقتصادی در حد اداره حداقلی منزل، پاسخ‌گویی به نیازهای اجتماعی، نیاز اقتصادی برای ایجاد یک زندگی بهتر، احساس نیاز به استقلال مالی، نیاز به حضور اجتماعی و پرستیژ اجتماعی برخی از دلایل و انگیزه‌های اشتغال است. (معاونت پژوهش، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷-۱۶۸) که با کمی تأمل می‌توان فهمید غیر از مورد اول و دوم بقیه موارد دلیل موجهی برای این امر نیست. برآیند آیات و روایات بر این نکته اشاره دارد که اشتغال در نگاه حقوقی اسلام حق زنان است نه وظیفه؛ از این روی اگر اشتغال با این دو نقش کلیدی در تراحم قرار گیرد، اولویت با اشتغال نخواهد بود.

۳-۲ خانه‌داری اولویت دینی برای زنان

در نگاه دینی، خانه‌داری نیز جزء وظایف تکلیفی زنان نیست و ترک آن مصداق نشوز نخواهد بود. (اصفهانی، ۱۴۲۲ق، ص ۷۵۵) اما فرهنگ دینی ناظر به ارزش‌گذاری درباره‌ی آن است. رسول مکرم اسلام فرمود: «هر زنی که از منزل همسرش چیزی را جابه‌جا کند و با این کار قصد اصلاح [و خدمت به همسر را] داشته باشد، خداوند به او نظر می‌کند و هر کس خداوند به او نگاه [رحمت] کند مورد عذاب خدا قرار نمی‌گیرد» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۱۱) و در مقابل اگر این مهم به نحو مطلوب صورت نگیرد، غضب الهی را در پی دارد. «هر کس همسری دارد و او با شوهر خود موافق نیست و بر روزی خدا که به مرد ارزانی شده، صبر نمی‌کند و بر مرد خود سخت می‌گیرد و او را به کاری که توان آن را ندارد، مجبور می‌کند، خداوند از آن زن هیچ کار نیکی را نمی‌پذیرد و پیوسته در غضب الهی به سر می‌برد تا وقتی چنین حال و رفتاری دارد.» (همو، ۱۴۰۶ق، ص ۲۸۷)

آنچه در نگاه آیات و به‌ویژه روایات ممدوح است، معاشرت نیکو (نساء: ۱۹) و شرکت مرد در امر خانه‌داری است؛ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۴۸) اما شرکت زن در تأمین معاش غیر از موارد ضروری، امری مذموم شمرده شده است. در روایات آخرالزمان که با نگاهی مذمومانه مطرح شده است، اشتغال زنان را ناشی از حرص زنان به مال‌اندوزی می‌داند: «شَارَكَ النِّسَاءُ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصاً عَلَي الدُّنْيَا» (شیخ صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۲۵) و «وَ اسْتَعَلَّ النِّسَاءُ وَ شَارَكْنَ أَرْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصاً عَلَي الدُّنْيَا» (مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۲) این نگاه مذموم در اندیشه برخی اندیشمندان غربی نیز مطرح گردیده است:

«تلاش و کوشش زن امروزی به خاطر کسب استقلال و افزایش توسعه‌ی میدان علایق ... درست در جهت مخالف جنبه‌ی ذاتی و برخلاف گرایش‌های طبیعی اوست.» (هورنای، ۱۳۸۲، ص ۲۱۵) در عرصه‌ی خانواده نیز هرچند بر اساس آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» زن و مرد هر دو در آرام‌بخشی شریک‌اند؛ اما بر اساس آیه‌ی ۱۸۹ سوره‌ی اعراف، زن نقش کلیدی‌تری دارد. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» به همین علت امام سجاد علیه‌السلام می‌فرماید: «أَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أُنْثَى وَ وَاقِيَةً»؛ (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۶۲) حق همسرت این است که بدانی خداوند او را موجب آرامش و راحتی و انس و حفاظت از تو قرار داده است.

علامه طباطبایی در تبیین این نقش اساسی می‌فرماید: «طبیعت مردان به انتشار در زمین و کوشش بی‌وقفه برای تولید ثروت و رقابت گرایش دارد. از سوی دیگر خداوند زن را موجب جذب مردان به خانه و رسیدن به قرار و آرامش و دورشدن از رقابت‌های بی‌پایان خلق نموده است. (طباطبایی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۲۱۶)

برخی از اندیشمندان غربی وضعیت زنان در قرن اخیر را چنین توصیف کرده‌اند:

«اگر زنی شایسته‌ی توهین باشد، آن است که در زناشویی و تنهایی، زیبایی خود را در معرض تجارت گذاشته و سرتاسر روز را به آرایش و گردزنی سروصورت و پیچ‌دادن مو و پوشیدن لباس می‌گذرانند.» (دورانت، ۱۳۸۴، ص ۱۶۰)

بارابارا و آلن پیز نیز می‌گویند: «بسیاری از زنان برای داشتن آنچه در اختیار مردان است (پول، موقعیت، قدرت) به دنبال مشاغل حرفه‌ای خاص رفته‌اند. این انتخاب‌ها زنان را گرفتار بسیاری از عوارض جانبی مردانه‌ی مشاغل حرفه‌ای همچون ناراحتی‌های قلبی، تومورها، فشار عصبی و مرگ زودرس کرده است.» (پیز، ۱۳۸۷، ص ۳۳۳-۳۳۴)

بسیاری از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها که در محیط کار به وجود می‌آید به دلیل اختلاط

زنان و مردان بوده که زمینه ساز فساد اخلاقی و به خطر افتادن طهارت اجتماعی است، اسلام در روابط زن و مرد نامحرم بر حفظ حریم‌ها تأکید فراوانی دارد امیرالمؤمنین (ع) در سخنانی خطاب به مردم عراق فرمودند: «خبردار شده‌ام که زنان شما در راه‌ها با مردان، تنگاتنگ رفت و آمد می‌کنند، آیا حیا نمی‌کنید؟» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۳۶). با بررسی آیات و روایات می‌توان گفت که بر اساس تعالیم اسلام، زنان باید در محیط شغلی در روابط با مردان، از هر نوع حضوری که جاذبه جنسی داشته باشد، پرهیزند. اگرچه اسلام مخالف اشتغال زنان نیست اما باید شرط اسلام که آلوده نشدن دامن زن است احراز گردد. اگر اختلاط زن و مرد در محیط کار، تحصیل، ورزش و غیر آن به گونه‌ای باشد که به طهارت زن آسیب رساند، مسلمان به هیچ قیمتی چنین اختلاطی را نمی‌پسندد. آنچه شرع و عقل اقتضا می‌کند، این است که برنامه‌ریزی به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ طهارت، هر دو جنس از مواهب بهره‌مند گردند. اسلام بر حفظ سلامت و طهارت زن تأکید دارد، نه محرومیت از این مزایا. (اشکوری، ۱۳۷۷، ص ۲۴) محدودیت‌های این باب برای حفظ سلامتی روحی و معنوی زن است که سلامت مرد و در نتیجه سلامت کل جامعه را در پی دارد و عدم مراعات این حدود، نه تنها سلامت معنوی زنان، بلکه سلامت معنوی کل جامعه را تهدید می‌کند.

۳-۳ تمایزات تکوینی زن و مرد منشأ تنظیم قواعد حقوقی و اجتماعی

یکی از کلیدهای فهم نظام حقوقی، اجتماعی زن در اسلام، درک جایگاه و نقش و کارکرد هر یک از زن و مرد در خانواده است، در نگاه اندیشمندان مسلمان، اگر انسان مدنی بالطبع نباشد، خانواده محور بالطبع هست و خداوند به صورت طبیعی و تکوینی ساختار زن و مرد را بر اساس تشکیل خانواده آفریده تا زندگی خانوادگی به وجود بیاید، درباره خانواده دو دیدگاه وجود دارد: برخی از متفکران با مبانی اومانستی و فردگرایی و گرایش‌های فمینیستی معتقدند که خانواده همچون سایر نهادهای اجتماعی، بر اساس قرارداد و توافق عده‌ای با یکدیگر به وجود می‌آید و چیزی جز همان قرارداد پشتوانه‌ی آن نیست، در مقابل دیدگاهی است که اندیشوران مسلمان بر اساس آموزه‌های وحیانی به آن معتقد شده‌اند، این دسته از اندیشوران معتقدند اگرچه خانواده در ابتدا با قرارداد و اعتبار

زوجیت تشکیل می‌شود، اما مبنای فطری و طبیعی دارد و به تعبیر مرتضی مطهری: «انسان فطرتاً خانواده گرایانه است... و ریشه‌ی و اساس حقوق خانوادگی را مانند سایر حقوق طبیعی باید در طبیعت جستجو کرد» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۴۵-۱۵۴). مرتضی مطهری با اصل دانستن زندگی خانوادگی برای انسان می‌نویسند:

«قرائن تاریخی، دوره‌ای را نشان نمی‌دهد که در آن دوره انسان فاقد زندگی خانوادگی باشد، یعنی زن و مرد منفرد از یکدیگر زیست کنند و یا رابطه جنسی میان افراد صورت اشتراکی و عمومی داشته باشد. زندگی قبایل وحشی عصر حاضر - که نمونه‌ای از زندگانی بشر قدیم به شمار می‌رود - نیز چنین نیست.» (همان)

در رویکرد اسلامی زن و مرد از جهت تکوینی با یکدیگر متفاوت خلق شده‌اند و همین تفاوت‌ها موجب شده تا در حقوق و تکالیف نیز متفاوت باشند. به‌عنوان مثال یکی از تفاوت‌های تکوینی میان زن و مرد که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده است تفاوت در بهره‌گیری از قوه‌ی تعقل در هنگام مواجهه با احساسات است. اگرچه زن و مرد هر دو به‌طور یکسان از عقل بهره‌برده‌اند اما گاهی غلبه‌ی احساسات و عواطف که لازمه‌ی زندگی زناشویی و ایفای نقش مادری و همسری برای زنان است موجب می‌شود بهره‌گیری از عقل تحت‌الشعاع قرار گیرد.

علت این مسئله این است که حقوق و تکالیف انسان‌ها باید بر اساس مصالح و مفاسد نفس‌الامری و واقعی تعیین شود؛ بنابراین، اختلاف در مصالح و مفاسد به‌ناچار، سبب تفاوت در حقوق تکالیف خواهد شد؛ زیرا تفاوت‌های مزبور سبب آثار اجتماعی گوناگون می‌گردد و چگونگی مشارکت زن و مرد را در امور اجتماعی ناهمانند می‌سازد. بدین روی، می‌توان در مواردی تفاوت در حقوق و تکالیف را به سبب تفاوت تکوینی و طبیعی دانست؛ اما اگر اختلاف به‌گونه‌ای باشد که در مصالح و مفاسد تأثیرگذار نباشد موجب تفاوت در حقوق و تکالیف نیز نخواهد بود. پس در زمینه‌ی حقوق، اختلاف در هست‌ها - فی الجمله - منشأ اختلاف در بایدها می‌شود. (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶). مرتضی مطهری در این رابطه می‌نویسد:

«قانون خلقت این تفاوت‌ها را به این منظور ایجاد کرده است که به دست خود،

حقوق و تکالیف خانوادگی را میان زن و مرد تقسیم کند. این قانون تفاوت‌های زن و مرد را همچون تفاوت اعضای یک بدن ایجاد کرده است. اگر قانون خلقت هر یک از چشم و گوش و پا و دست و ستون فقرات را در وضع مخصوصی قرار داده است، بدین جهت نیست که میان آن‌ها تبعیض قائل شده است و به برخی جفا کرده باشد بلکه خواسته است تناسب بیشتری میان زن و مرد به وجود آورد.» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۱۵۹-۱۶۱).

گرایش‌های فمینیستی نوعاً با نفی تفاوت‌ها یا ناچیز تلقی کردن آن‌ها به دنبال اهداف از پیش طراحی‌شده‌ی خود بوده‌اند. آن‌ها مدت‌زمان طولانی بر مبانی خود تأکید نمودند تا آنجا که علاوه بر جوامع غربی، افکار عمومی جوامع مسلمان را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. از مجموع ویژگی‌های تکوینی و تشریحی زن و مرد می‌توان دریافت که آنان در انسانیت همسان بوده و بر اساس یک هدف مشترک آفریده شده‌اند و صرفاً در مقومات جنسیت (زنانگی و مردانگی) و احکام مربوط به آن، میان این دو صنف، تفاوت است. لذا تکلیف الهی به هر دو تعلق گرفته و اما نوع تکلیف ممکن است به واسطه‌ی جنبه‌های متفاوت آنان، متمایز از یکدیگر باشد. (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۶۳)

در رویکرد اسلامی گرچه زن و مرد در بعد انسانی و ارزشی برابرند، اما تفاوت‌های تکوینی و طبیعی در ابعاد روحی و جسمی دارند که مربوط به خلقت و آفرینش بوده و انسان در شکل‌گیری آن‌ها نقشی ندارد، این تفاوت‌ها منشأ تفاوت‌های اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و... است که قوانین شرع نیز با در نظر گرفتن تفاوت‌های تکوینی موجود تفاوت‌هایی در حقوق و تکالیف و... لحاظ کرده است؛ بنابراین حقوقی برابر و نه مشابه دارند که غفلت از این موضوع موجب شده برخی توهم ظالمانه و تبعیض‌آمیز بودن اختلافات حقوقی زن و مرد را داشته باشند. خداوند این توازن حق و تکلیف را چنین بیان می‌کند «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره ۲)، (۲۲۸). «برای زنان همانند حقوقی است که برای مردان بر عهده‌ی آنان است» مقتضای عدالت تعیین حقوق و تکالیف یکسان در موارد اشتراک میان زن و مرد و وضع حقوق و تکالیف ناهمانند، اما متناسب با استعدادها و ظرفیت‌های آن دو در موارد اختلاف میان آن‌هاست، همان‌طور که نادیده‌انگاری تفاوت‌ها در فرایند تقسیم کار غیرمنطقی است. با توجه به تفاوت‌های زن و مرد هر جا

مسئولیت‌های سنگین اجتماعی همانند مرجعیت و قضاوت پیش می‌آید زن‌ها از پذیرش آن معاف هستند، نه اینکه از حقی محروم باشند، بنابراین زن و مرد هر دو ارزش و منزلت علمی و معنوی دارند و کمال معنوی نیز به ولایت اختصاص دارد و در ولایت میان زن و مرد تفاوتی نیست و هر دو می‌توانند ولی‌الله باشند.

برای تبیین رویکرد سوم لازم است به اشتراکات و تمایزات میان زن و مرد اشاره کنیم تا معلوم شود که برخی از محدودیت‌هایی که اسلام برای جنس زن قائل شده است از باب تحقیر زن نبوده و اساساً احکام اسلام بر اساس ظرفیت‌ها و استعدادها و توانایی‌های افراد در نظر گرفته می‌شود و بنای اسلام بر عدالت است نه تساوی (تناسب محوری نه تشابه محوری). بنابراین در نگاه دینی راه رسیدن به این منزل در انجام صحیح تکالیف و مسئولیت‌هایی است که بر دوش زنان و مردان بر اساس استعدادهای طبیعی و اکتسابی و بر پایه «حفظ ارزش‌ها»، «سازگاری نقش‌ها با روحيات و ویژگی‌های زن و مرد» و «توافق طرفین» قرار داده شده است. از این روی لازم است برای تبیین بحث به تمایزات و اشتراکات زن و مرد اشاره کنیم.

از نگاه آیات و روایات، تبیین نقش و کار جنسیتی فقط مبتنی بر دیدگاه زیست-شناسانه که قدرت جسمی مرد و ضعف بدنی زنان، زایمان و شیردهی آنان را منشأ تقسیم کار می‌داند، نیست. همچنین این تقسیم کار فقط مبتنی بر دیدگاه روان‌شناسانه که بازتاب تمایل مردان به ایجاد هویت بارز مردانه است و نیز دیدگاه جامعه‌شناسانه که در آن الگوی حاکم بر فرهنگ و جامعه سبب این تقسیم کار شده، نیست. اسلام با قبول تفاوت‌های زیستی و روانی و در نتیجه درخواست تکالیف متفاوت و نیز قبول تأثیرات فرهنگی و عرفی تا جایی که مخالف عقل و شرع نباشد، نگاهی متعالی تر به تقسیم کار در خانواده و اجتماع دارد که ریشه در مقاصد عالی‌ی شارع مقدس دارد. غایت‌مندی نقش‌ها، کمال‌طلبی انسان، حفظ کرامت زن و مرد، جلوگیری از اختلاط جنسی و نگاه ابزاری به زن و... برخی از این مقاصد است.

روشن است که تمایزات میان زن و مرد باید ذیل گفتمان برابری انسانی و ادبیات مکمل بودن زن و مرد تفسیر شود و نباید آن را بهانه‌ای برای تحقیر یکی از دو جنس

دانست. (زیبایی نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۰۲-۱۰۳) باید گفت به دلیل ناآشنایی با نگاه جنسیتی اسلام و غلبه گفتمان برابری، گمان شد که نیاز زن و مرد به اشتغال یکسان و پیامدهای اشتغال نیز برای این دو صنف یکسان است؛ حال آنکه نه از نظر روانی، آمادگی یکسانی در زن و مرد برای حضور در عرصه اشتغال موجود است و نه تأثیرات شخصیتی اشتغال در زن و مرد یکی است، نه مسئولیت زن و مرد در قبال اقتصاد خانواده مشابه است و نه آسیب‌پذیری زن و مرد در محیط‌های کار به یک میزان است. اسلام در اعطاء مسئولیت‌ها و نقش‌ها به سه مؤلفه «تفاوت توانایی‌ها و استعدادها»، «تفاوت وظائف و تکالیف» و «تفاوت اختیارات و حقوق» توجه خاص دارد. و هرچند زن و مرد را در «ماهیت انسانی»، «اصل خلقت» و در «هدف خلقت»، برابر می‌داند اما پذیرش تساوی در «ماهیت» نباید و نمی‌تواند به معنای قبول تساوی در «هویت»، «نقش» و «تکالیف» زن و مرد باشد؛ زیرا خالق هستی هر یک از این دو را برای نقشی جدا آفریده است.

این تفاوت‌ها هم از لحاظ علمی و هم از نگاه آیات و روایات قابل اثبات است. مخالفین تفاوت، یا منکر تفاوت‌ها هستند مثل فمینیست‌های رادیکال و یا در صورت قبول تفاوت‌ها، منکر تأثیر این تفاوت‌ها در عرصه‌ی تربیت و قانون‌گذاری هستند. فمینیست‌های پست‌مدرن نیز تفاوت‌ها را قبول می‌کنند اما این تفاوت‌ها را به حوزه‌ی مختصات فردی مثل تفاوت در رنگ مو و قد و... می‌کشانند که نمی‌تواند زمینه‌ی تفاوت‌های قانونی و تربیتی و نقشی شود.

اثبات و پذیرش تفاوت‌ها، تأثیر عمیقی در تمام ساحت‌های علمی و اجتماعی از جمله حوزه‌ی زیست‌شناسی اجتماعی و محول کردن نقش‌ها، حوزه‌ی سیاست و حقوق، حوزه‌ی علوم تربیتی و بحث شیوه‌های متفاوت و دوجنسیتی تربیت، حوزه‌ی جرم‌شناسی و روان-شناسی جنایی، در جامعه‌شناسی اقتصاد و در تولید، توزیع، مصرف و خدمات و... به‌جای می‌نهد. (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸، ص ۲۰-۲۳)

با نگاه به آیات و روایات می‌توان به‌وضوح دریافت که زن و مرد در ماهیت انسانی و لوازم این ماهیت از جمله دارا بودن نفس ناطقه و استعدادهایی همچون ادراک امور کلی و انتزاعی، وجدان اخلاقی، نگاه آینده‌نگرانه، حس کمال‌طلبی و دیگر ظرفیت‌های

جداکننده‌ی وی از سایر موجودات مثل اختیار و مسئولیت‌پذیری و تأثیر بر اقتضانات محیطی، باهم اشتراک دارند. هم‌چنین همه‌ی انسان‌ها دارای مبدأ مشترک (خاک و روح الهی)، هدف مشترک (عبودیت عارفانه‌ی الهی)، راهنمای مشترک (ادیان و پیامبران) و سرنوشت مشترک (رضایت یا سخط الهی، بهشت یا جهنم) هستند.

زنان در عین تساوی در عرصه‌های مذکور، تفاوت‌های عمیقی نیز با جنس مردان دارند. تفاوت‌هایی که از دیدگاه برخی اندیشمندان محدود به شکل ظاهری نیست و دارای عمق بیشتری است به گونه‌ای که تک‌تک سلول‌های زن و مرد را متفاوت می‌کند. (کارل، ۱۳۷۸، ص ۱۰۰ و خدا رحیمی و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۴). این تفاوت‌ها در تمام اعضای فیزیولوژیکی و حتی قوای شناختی و روانی زنان و مردان قابل اثبات است. (ر.ک: آیزاک، ۱۳۷۲، ص ۱۱۸، و حسینی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷ و کریستین، ۱۳۷۵، ص ۴). این تفاوت‌ها موجب تغییر حالات و رفتار این دو جنس خواهد شد و در نتیجه دو نوع از جنس بشری را ایجاد خواهند کرد که دارای دو نقش و کارکرد خواهند بود.

جنس زن با توجه به نقش اساسی که در تکوین خانواده و اجتماع دارد اساس و بنیان هر اجتماع را تشکیل می‌دهد، لذا با تضعیف بنیان خانواده، اجتماع در معرض فروپاشی و اضمحلال قرار می‌گیرد. از این روی اگر اشتغال دائمی و تمام‌وقت زن برای بنیان خانواده مضر باشد باید به گونه‌ای مدیریت شود تا آثار سوء آن به حداقل برسد.

۴-۳ بررسی معایب و محاسن اشتغال زنان در کنار هم

بی‌شک اشتغال برای زنان، خانواده و جامعه، دستاوردهای مثبتی دارد. ارتقاء سطح بهداشت خانواده، بهره‌وری بیشتر از منابع مادی و معنوی خانواده، افزایش توان مدیریتی زن در خانواده، افزایش روحیه‌ی اعتمادبه‌نفس زن در اجتماع، پرشدن اوقات فراغت و جلوگیری از آسیب‌پذیری اجتماعی، تأمین اجتماعی زنان در مواقع بروز بحران‌های مختلف، شکوفایی استعدادهای انسانی زن، احساس تعهد و مسئولیت بیشتر نسبت به خانواده، استقلال مالی زن، ارتقاء سطح خودباوری زنان به همراه سازندگی بیشتر، تقویت پایگاه اجتماعی و ... از جمله آثار مثبت اشتغال زنان است. (ملک‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲) اما اشتغال، پیامدهایی برای خود زنان، خانواده و جامعه نیز به همراه دارد. گرانباری نقش به

علت تعدد نقش خانه‌داری و نقش اشتغال، تضاد نقش‌ها به علت اقتضائات متضاد آن‌ها، تغییر در هنجارهای اخلاقی، احساس بی‌فایده‌گی و کاهش اعتمادبه‌نفس به علت تحقیر نقش‌های خانگی و کاهش حمایت اقتصادی مردان از زنان از جمله‌ی پیامدهای وارده بر خود زنان است. هم‌چنین تغییر در نظام خانواده، تضعیف روابط درست و بانشاط زوجین، تأثیر بر فرزند خواهی و تأثیر بر روابط مادر و فرزند از جمله‌ی تبعات خانوادگی اشتغال زنان به شمار می‌رود و در عرصه‌ی اجتماع نیز؛ تحول ذهنیت اجتماعی به سمت برابری، کاهش جمعیت، شیوع تجردزیستی و افزایش آسیب‌های اجتماعی از جمله اثرات اشتغال زنان است. (علاسوند، ۱۳۹۰، ج ۲، ۲۷۰-۲۷۹ و ملک‌زاده، همان)

نگاه منصفانه علمی و مطابق با واقعیات تکوینی زن و مرد آن است که اولاً عیوب و محاسن اشتغال در کنار هم دیده شود و ثانیاً قواعد باب تراحم در مواردی که اشتغال زنان موجب از دست‌دادن یا از دست‌رفتن حقی مهم‌تر می‌گردد، رعایت شود. عمده ایراد اشتغال زنان تراحم آن با نقش همسری و مادری است که نیاز به بررسی بیشتر دارد.

۳-۱- تراحم اشتغال زنان با نقش مادری

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که اشتغال بیرون از منزل برای زنان ایجاد می‌کند تراحم آن با دو نقش مادری و همسری است. انتقال خستگی ناشی از شغل به خانه و عدم آمادگی جسمانی و روانی برای برآوردن نیازهای روانی، عاطفی اعضای خانواده، عدم سرپرستی و نظارت مستقیم فرزندان در منزل، محله و مدرسه و غفلت از نیازهای آن‌ها، تحت‌الشعاع قرار دادن اشتغال مردان سرپرست خانوار در مواردی که با مشکل اشتغال روبرو هستند، پیامدهایی نامطلوب اشتغال مادر بر رشد جسمانی و روانی فرزندان، اشتغال و درگیری ذهنی در مورد مسائل کاری و در پی آن، مصرف شدن انرژی روانی شخص بیرون از منزل و کوتاهی نسبت به وظایف خانه‌داری، افتادن سنگینی کارهای منزل بر دوش شوهر و فرزندان از جمله پیامدهای اشتغال در کم‌رنگ شدن نقش مادری است. برخی از خانم‌های شاغل در محیط کار به‌اندازه کافی با همکاران و مراجعان صحبت کرده و نیازهای کلامی و عاطفی خود را از این راه ارضاء می‌کنند که در نتیجه موجبات سردشدن روابط میان همسران به وجود می‌آید. گاهی اوقات نیز دستیابی بانوان به استقلال مالی

موجب کم شدن حرف شنوی و در نتیجه باعث سستی روابط زناشویی می شود. همچنین گاهی اشتغال مادر ممکن است نقش و جایگاه پدر را در بین فرزندان پسر مخدوش کند زیرا آنان پدر را مرجع حل امور مالی نمی دانند. همچنین اشتغال طولانی مدت مادر سبب می شود که فرزندان دختر از یک الگوی جنسیتی مناسب محروم شوند و در ایفای نقش جنسیتی خود با مشکلاتی روبه رو شوند. دوگانگی در تربیت فرزندان، نیز حضور کم رنگ و نداشتن فرصت کافی برای پخت و پز و استفاده بیش از حد از غذاهای آماده و گاه ناسالم، مشکلاتی را در تغذیه و رشد جسمانی اعضای خانواده به وجود می آورد.

اغلب زنان شاغل، بیشتر توانمندی و خلاقیت خود را در محیط شغلی خود به کار می گیرند و در نتیجه نمی توانند به شکل مطلوبی در مورد همسر و فرزندان به نشاط و پویایی خانواده بیفزایند. برخی از مشاغل، خانم ها را به پیری زودرس، افسردگی و مشکلات جسمانی و روانی گرفتار می کند.

از جمله مشکلات زوج های شاغل، رفت و آمد و ارتباط با بستگان و دوستان است، زیرا با کم شدن وقت زوجین روابط با اقوام تحت الشعاع قرار می گیرد. احتمال آسیب پذیری اخلاقی زنان شاغل به خصوص در محیط های کاری که با مردان در تعامل اند بیشتر است. احساس گناه، مهم ترین احساس منفی مادران شاغل است که به علت نگرانی از عدم حضور در کنار فرزندش ایجاد می شود. (ر.ک: زعفران چی، ۱۳۸۸، ص ۴۳ تا ۷۰ و هاجری، ۱۳۸۶، ص ۴۹، ۱۰۶ و کهرئز و مرادی، ۱۳۹۴، ش ۲۸، ص ۲۳-۴۰، علی محمدی، ۱۳۹۰)

یکی از آثار اشتغال بانوان کم میلی به بچه دار شدن یا اکتفا به فرزند کمتر برای رهایی از مشکلات فرزندداری است، تأثیر اشتغال زنان روی تغییرات در زندگی خانوادگی، در کنار کنترل باروری زنان هرگز نباید دست کم گرفته شود. این امر ارتباط مستقیمی با تصمیمات زنان در باب فرزندآوری و زمان بندی آن و تعداد فرزندان دارد. اشتغال، مقدار زمان مراقبت از کودک را کاهش داده و از سوی دیگر با گسترش روابط اجتماعی بانوان وابستگی های خویشاوندی و مشارکت در اجتماع خانوادگی شان را کاهش می دهد؛ و این امر اقتدار سنتی مردان را در خانه تحت تأثیر قرار داده و توازن قدرت را به هم می ریزد و در نتیجه موجب شکست خانواده های هسته ای و دامنه ای از پیامدهای منفی اجتماعی و

اقتصادی می‌شود (جنیفر، ۱۳۸۸، ص ۲۷۹-۲۸۰) اشتغال در بعضی مواقع، احساسات مادرانه را از زن گرفته و روحیه خشن را جایگزین عواطف او کرده و کودکان را نسبت به نقش عاطفی والدین بی‌اعتماد یا کم‌اعتماد می‌کند. از این رو، نقش الگویی و سازندگی والدین را زیر سؤال می‌رود. (سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۶۹، ص ۹۲)

وقتی مادر دوش به دوش پدر بیرون از خانه باشد، بدیهی است که فرصت کافی و انرژی لازم برای نظارت بر امور درسی و نیز رفتارهای بیرون از منزل بچه‌ها را نداشته باشد. همین امر سبب غفلت از نیازهای فرزندان و یا بی‌توجهی به آن خواهد شد. نتایج برخی پژوهش‌های میدانی، نشان می‌دهد که نزدیک به ۲۰ درصد کودکانی که مادرانشان کار می‌کنند در ساعات قبل و بعد از مدرسه، سرپرستی ندارند. (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰)

اهمیت مطلب وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم ارتباط فرزندان با مادر، نه فقط در رفع نیازهای کودک مؤثر است، بلکه بر حالات روانی و عاطفی وی نیز تأثیر می‌گذارد. مادران شاغل، اغلب به دلیل آنکه بخش مهمی از ساعات مفیدشان را در طول روز، از فرزند جدا هستند، نمی‌توانند همانند مادران خانه‌دار به کودکان خود رسیدگی کنند. علاوه بر این، آن‌ها در کنار خستگی جسمی و ذهنی ناشی از کار، مسئولیت خانه و خانه‌داری را هم به دوش می‌کشند. از سوی دیگر، سپردن کودکان به مهدکودک هم چندان مورد تأیید کارشناسان نیست، چراکه به باور آن‌ها، این کار ممکن است موجب بروز نابسامانی‌های روانی خاصی در بزرگ‌سالی شود. نویسنده‌ی کتاب سازندگی و تربیت دختران با استناد به سخن «آستل» می‌گوید: «نمی‌خواهیم زنان در دنیا بسان لاله‌ها در باغ باشند و فقط منظره‌ی زیبا بسازند و به درد هیچ چیز نخورند بلکه باید مسئولیت سازندگی نسل را به عهده گیرند. وی در ادامه گوید: این نکته‌ی هشداردهنده و دردآوری است که همه‌ساله گروهی از کودکان به علت آشنانبودن مادران به فنون تربیت و قوانین طبیعت و ساختمان جسم و روان و خلقت او تلف می‌شوند درحالی که در عالم حیوانات چنین وضعی نیست. (قائم‌ی، ۱۳۶۹، ص ۳۲-۳۳)

۳-۲-۳ تزاخم اشتغال زنان با نقش همسری

روشن است که زنان شاغل نتوانند آن‌طور که شایسته است وظایف خانه‌داری و مسئولیت‌های خود را به‌عنوان همسر و مادر انجام دهند، برخی از اختلافات زناشویی نیز ناشی از همین امر است، خصوصاً جایی که مردان، خود را موظف به کمک در کارهای منزل نمی‌دانند. باید دانست که زن ویژگی‌های روحی متفاوتی از مرد دارد از این‌رو چالش‌های به‌وجودآمده در محیط کار، می‌تواند خستگی‌های روحی و جسمی را برای وی ایجاد کند و این خستگی‌ها بر روابط زناشویی و حتی کلامی زن تأثیر می‌گذارد و می‌تواند منجر به سردی ارتباط او با همسرش شود. در نتیجه، تفاهم زن و مرد به‌تخاصم مبدل می‌گردد و حتی می‌تواند منجر به جدایی شود. گاهی زنان شاغل، روحیه‌ی منعطف و مهربان خود را از دست می‌دهند و روحیه‌ی مدیریتی پیدا می‌کنند که این مسئله نیز بر روابط آن‌ها با همسر تأثیر گذار است. یکی دیگر از آثار اشتغال زنان استقلال مالی و عدم وابستگی اقتصادی زن است که گاهی در بیشتر موارد سبب تغییر روابط او با مرد می‌شود. به‌بیان دیگر، رفتار استقلال‌طلبانه‌ی زن، اقتدار و مدیریت مرد را خدشه‌دار می‌کند و این مسئله موجب بروز اختلاف در خانواده می‌شود.

قرآن مردان را اقتدارگرایانی می‌داند که اقتدارشان باید توسط زنان به رسمیت شناخته شود (نساء: ۳۴) به‌عبارت دیگر اگر زن ازدواج کرده نقش نان‌آوری را به‌عهده بگیرد، خطر رقابت با شوهر به میان می‌آید که برای وحدت و یکپارچگی خانواده زیان‌آور خواهد بود. افزون بر این، همسو نبودن نقش‌های اجتماعی و خانوادگی، موجب سستی و کاستی در نقش‌های خانگی می‌شود و احتمال بروز تنش بین زن و شوهر را افزایش می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص ۱۷۰). خانواده‌های شاغل، در مقایسه با خانواده‌های سنتی، وقت کم‌تری برای حضور در خانواده و اقوام دارند. از این‌رو، به‌نوعی منزوی شده و حمایت عاطفی و روانی و حتی مالی اطرافیان را از دست می‌دهند.

یکی از مباحث مهم در اشتغال زنان که در ارزیابی غربی‌ها در این مسئله کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و ما به‌عنوان جامعه مسلمان باید به آن اهمیت دهیم مسئله اشتغال و اختلاط است، یعنی بسیاری از شغل‌هایی که خانم‌ها عهده‌دار آن می‌شوند زمینه اختلاط با

نامحرم را فراهم می‌کند که از سویی موجب می‌شود که یک خانم در محیط کار ارتباطات کلامی و عاطفی با همکاران داشته باشد که همین مسئله می‌تواند ارتباط کلامی با همسر را تحت الشعاع قرار دهد، همچنین برای جلوگیری از فساد، در دین اسلام ترجیح با محل رجوع قرار نگرفتن زنان است، یعنی زن نباید شغلی داشته باشد که مجبور باشد به صورت دائمی محل رجوع مردان نامحرم باشد.

راه‌های برون‌رفت از تراحم اشتغال زنان

از آنچه گفته شد روشن است که اسلام زن را از کسب و کار و فعالیت و اشتغال منع نکرده است، آری می‌توان گفت با توجه به ویژگی‌های شخصیتی زن به لحاظ روحی و روانی، اسلام با نگاه خاص به زنان نگرسته است، در اسلام هیچ‌گاه روابط خانواده را بر پایه‌ی استقلال یا عدم استقلال اقتصادی قرار نداده است و استقلال اقتصادی زن را برای ایشان برتری تلقی نکرده است. بلکه این سازمان اجتماعی را فقط بر پایه‌ی فطرت بنانهاده است. در این نگاه، در سازمان خانواده، زن باید زن باشد، نه مرد و از این روی باید وظیفه‌ی فطری زنان را بر عهده بگیرد. (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹، ص ۲۵۳) اسلام به سبب اهمیت نقش‌های فطری زنانه، مرد را وادار ساخته تا مخارج زندگی زن را تأمین کند، نه اینکه استقلال اقتصادی وی را سلب کند. (قطب، بی‌تا، ص ۹۶) در نگرش اسلامی، اشتغال زن نباید موجب گریز او از انجام وظیفه‌ای شود که طبیعت و فطرت برای او معین کرده است. مادری و همسری، ارزش‌های برجسته‌ای هستند که اسلام برای زن معین کرده است و هر چیزی که در فرایند ایفای درست این نقش اختلال ایجاد کند، مورد قبول اسلام نیست. در دین اسلام با توجه به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد که به برخی از آن‌ها در اینجا اشاره کردیم، اشتغال زنان به‌طور کلی و به‌ویژه در بیرون از خانواده، به‌مثابه‌ی نقش ثانوی و پس از فراغت از ایفای نقش‌های اولیه (مادری و همسری) قابل‌پذیرش است و حتی در برخی حرفه‌ها اولویت حضور زن در نگاه دین مطرح شده است. جوادی آملی می‌گوید: «بسیاری از کارهای اجرایی برای زن جایز است، بلکه در مواردی دارای اولویت است، مثل طبابت زنان برای زنان، پرستاری و آموزگاری دختران و بهتر است زنان در این موارد مهارت لازم را کسب کنند تا از مراجعه به مردان بی‌نیاز باشند». (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ص ۲۹۸)

خداوند برای جلوگیری از پیامدهای منفی اشتغال زنان که مورد بحث قرار گرفت، با توجه به ساختار وجودی زن و مرد و تفاوت‌های تکوینی میان آن دو، تکالیف و مسئولیت‌ها را به گونه‌ای قرار داده است که جایگاه هر یک از زن و مرد مشخص باشد و هر یک از آن‌ها با عمل کردن به مسئولیت‌های خود استحکام خانواده را در جهت نیل به سعادت و تکامل انسان‌ها حفظ کنند. و در موارد تزاخم باید با اتخاذ راهکارهایی تبعات اشتغال را تا حد امکان به حداقل رسانند. عمده راهکارهایی که این پژوهش برای حل تزاخم اشتغال زنان با دو نقش اصلی زنانه یعنی همسری و مادری پیشنهاد داد عبارت‌اند از: وجوب نفقه‌ی خانواده بر عهده‌ی مردان و معاف بودن زنان از تأمین هزینه زندگی، اولویت اشتغال با مردان سرپرست خانوار، دوری از مشاغل سخت و طاقت‌فرسا، دوری از تجمل و اسراف در زندگی، همکاری بقیه اعضای خانواده در کارهای خانه، توسعه و ایجاد مشاغل خانگی، ایجاد مشاغل اختصاصی زنان به صورت نیمه‌وقت و دوره‌ای.

نتیجه‌گیری

با بررسی منابع اسلامی روشن می‌شود که در رویکرد اعتدالی استقلال مالی و اشتغال زنان به معنای کار درآمدزا به‌عنوان یک واقعیت، مفروض گرفته شده و به‌خودی‌خود هیچ ممنوعیتی ندارد. اگرچه با ملاحظه قیود خاصی ممکن است در برخی موارد حکم به کراهت آن شود، به تعبیر دیگر اسلام با الگوی تقسیم کار جنسیتی که در جامعه‌ی صدر اسلام حاکم بوده است مخالفتی نکرده است بلکه حتی می‌توان گفت با احکام خود آن را تثبیت کرده است زیرا از یک‌سو اسلام نفقه زن را بر شوهر واجب کرده و زنان را از بر عهده گرفتن مسئولیت اقتصادی خانواده معاف کرده است و از سوی دیگر اسلام با تأکید بر نقش مادر - همسری زنان برای رسیدن به مصالح مهم‌تر و اولویت قرار دادن کاهش اختلاط جنسی به جهت حفظ پاکی و سلامت اخلاقی و معنوی در جامعه زمینه تقسیم کار جنسیتی را به وجود آورده است.

اگرچه اسلام تبعیض‌های شغلی ستمگرانه علیه زنان همچون پرداخت مزد کمتر به زنان یا محدود کردن امکان ارتقای شغلی زنان در شرایط مساوی را مردود می‌شمرد اما در عین حال نفی هرگونه تمایز جنسیتی به بهانه‌ی مبارزه با تبعیض جنسی را نیز برنمی‌تابد. زیرا در قوانین اسلام تفاوت‌های تکوینی و طبیعی میان زن و مرد به‌ویژه تفاوت‌های بدنی لحاظ شده است که این مسئله خود زمینه‌ی برخی از تمایزات شغلی را فراهم می‌کند.

اسلام بر امنیت جنسی در سطح جامعه و آرامش روانی همسران و تربیت فرزندان سالم و جامعه‌پذیری آن‌ها تأکید فراوانی دارد و تحقق این امر را درگرو سیاست‌های خانواده‌محور (نه فردمحور) می‌داند. بنابراین اگر اشتغال زنان به گونه‌ای باشد که کانون خانواده را به مخاطره بیندازد در اولویت نخواهد بود. بنابراین اولویت اشتغال زنان اختصاص به مواردی دارد که ضرورت‌های اجتماعی و شرعی اقتضاء می‌کند همچون مامایی، پزشکی زنان، تدریس برای زنان و دختران و ... و در غیر از موارد مذکور در صورتی اشتغال زنان موجه است که اولاً اشتغال مردان سرپرست خانوار را تحت‌الشعاع قرار ندهد، ثانیاً با حقوق مردان و کرامت زنان و انگاره‌های شرعی مانند عدم اختلاط منافات نداشته باشد، ثالثاً با برنامه‌ریزی صحیح و تصویب قوانین راهگشا، اشتغال زنان به گونه‌ای مدیریت شود که با کم‌ترین پیامد منفی همراه باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول فی اخبار آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق، ج ۲
 ۲. اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیله النجاه (مع حواشی الامام الخمینی)، قم، مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱
 ۳. آیزاک، آسیموف، اسرار مغز آدمی، ترجمه محمود بهزاد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۲.
 ۴. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸.
 ۵. باقری، خسرو، مبانی فلسفی فمینیسم، تهران ورزات علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۲.
 ۶. پناهی، علی احمد، سبک زندگی: همسراری از منظر دین با رویکرد روان‌شناختی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۳، ج
 ۷. پیز، آلن و پیز، باربارا، چرا مردان گوش نمی‌دهند و زنان نمی‌توانند نقشه بخوانند، ترجمه میترا میرشکار، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷، ج ۱
 ۸. جمعی از نویسندگان، جستاری در هستی‌شناسی زن: زن در فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۸، ج ۳
 ۹. جوادی آملی، عبدالله؛ زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۷.
 ۱۰. چراغی کوتیانی، اسماعیل، خانواده در اسلام و فمینیسم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹.
 ۱۱. حسینی تهرانی، محمد حسین، رساله بدیعه، تهران، صدرا، ۱۳۷۲.
 ۱۲. حسینی، سید هادی، تفاوت‌های بیولوژیک زن و مرد «بدن، روان و هوش» مجله‌ی کتاب نقد، زمستان، شماره ۱۷، ۱۳۷۹.
 ۱۳. _____، کتاب زن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۱.
 ۱۴. حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ ق، ج ۱

۱۵. خدا رحیمی، سیامک و دیگران، روان شناسی زن، تهران، انتشارات مردمک، ۱۳۷۷.
۱۶. خسرو، نقدسی نیا، احکام اختصاصی دختران و زنان، موسسه فرهنگی انتشاراتی ائمه، ۱۳۸۶.
۱۷. دبواری، سیمون، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، نشر توس، ۱۳۸۰، چ ۴
۱۸. دورانت، ویل، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، چ ۱۷
۱۹. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ج ۲، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
۲۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پرسش و پاسخ‌های قرآنی، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی، ۱۳۸۵.
۲۱. زعفرانچی، لیلا سادات، اشتغال زنان، مجموعه مقالات، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، مقاله‌ی اشتغال زنان، عوامل، پیامدها و رویکردها، محمد رضا زیبایی نژاد، ۱۳۸۸.
۲۲. زیبایی نژاد، محمدرضا، جایگاه خانواده و جنسیت در نظام تربیت رسمی، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۱، چ ۱
۲۳. _____، هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات)، تهران، مرکز امور زنان و خانواده، ۱۳۸۸، چ ۱
۲۴. السباعی، مصطفی بن حسنی، المرأة بین الفقه والقانون، بیروت، دار الوراق للنشر والتوزیع، ۱۴۲۰.
۲۵. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۷۰
۲۶. سازمان امور اداری و استخدامی کشور، شناخت جایگاه زنان و چگونگی کارگزاری آنان در دستگاه‌های دولتی، تهران، دفتر بررسی ارزش‌های حاکم بر نظام اداری، ۱۳۶۹.
۲۷. سامرویل، جنیفر، فمینیسم و خانواده، ترجمه محمود ارغوان، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸، چ ۱
۲۸. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، آل الیبت، ۱۴۰۹ ق.
۲۹. شیخ صدوق، محمدبن علی، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶
۳۰. _____، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، دارالشریف الرضی، ۱۴۰۶ق

۳۱. _____، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق
۳۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۱ ق
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق، چ ۴
۳۴. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق،
۳۵. عاشور، قاسم، ۱۰۰۰ سؤال و جواب فی القرآن الکریم، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۲۲ ق، چ ۱
۳۶. عباسی شوازی، محمدجلال، خواجه صالحی، زهره، سنجش استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان).
۳۷. علاسوند، فریبا، زن در اسلام، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۰، چ ۱
۳۸. علی محمدی، کاظم، آسیب شناسی اشتغال زنان از نگاه اسلام و روان شناسی؛ به نقل از کتاب «مجموعه مقالات همایش خانواده و جنسیت»، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰.
۳۹. قائمی، علی، سازندگی و تربیت دختران، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۶۹، چ ۱
۴۰. قطب، سید محمد، جامعه شناسی تاریخی زن، ترجمه محمد علی عابدی، تهران، البرز، بی تا.
۴۱. کارل، الکسیس، انسان موجودی ناشناخته، ترجمه عنایت (عنایت الله شکیا پور)، تهران، امیر بهادر، ۱۳۷۸، چ ۸
۴۲. کریستین، جان، استخوان شناسی و مفصل شناسی، ترجمه صوفیا نقدی، انتشارات نخل، ۱۳۷۵.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط.اسلامیه)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷
۴۴. لیثی واحدی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دارالحديث، ۱۳۷۶، چ ۱
۴۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، انتشارات علمی، ۱۴۰۳ق
۴۶. مصباح یزدی، محمدتقی، پرسش ها و پاسخ ها، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱، چ ۸
۴۷. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، نشر صدرا، ۱۳۸۷، چ ۱
۴۸. معاونت پژوهش، جنسیت از منظر دین و روان شناسی (مجموعه مقالات)، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۰، چ ۱
۴۹. ملک زاده، فهیمه، تأثیر جنسیت بر اشتغال، تهران، نشر جامعه شناسان، ۱۳۹۲، چ ۱

۵۰. موسوی، یعقوب، تعارض اشتغال زنانه در خانه و اجتماع، مرکز امور زن و خانواده، تهران، ۱۳۸۴.
۵۱. مهدوی، محمد صادق، دولتی، غزاله، نگاهی به اصل برابری فمینیسم و موانع اشتغال زنان، مباحث بانوان شیعه، پاییز ۱۳۸۵، ش ۹.
۵۲. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶، ج ۲.
۵۳. مهوش کهریزی، علی مرادی، فصل نامه علمی-پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، سال هشتم، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۲۸، ص ۲۳-۴۰.
۵۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق، ج ۱.
۵۵. هاجری، عبدالرسول، فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۵۶. هورنای، کارن، روان‌شناسی زن، ترجمه محمدحسین سروری، تهران، نشر دانژه، ۱۳۸۲، ج ۱.
۵۷. یزدی، محمد کاظم، عروة الوثقی، قم، لطفی، ۱۳۶۶.
۵۸. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، شیری، علی، کتاب الإمامة و السياسة، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۱۰.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی (ط-الاسلامیه)، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ ق.
۶۰. فنایی اشکوری، محمد، منزلت زن در اندیشه اسلامی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷.
۶۱. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، نشر صدرا، چ ۳۵، ۱۳۸۲.
۶۲. زیبایی نژاد، محمدرضا، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، نشر هاجر، چ ۱۱، ۱۳۸۹.
۶۳. مصباح، محمد تقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، تدوین عبدالحکیم سلیمی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.